

آثار اجتماعی وقف اسلامی در ایران

(قسمت دوم)

حجت الاسلام والمسلمین سید احمد سجادی

چکیده:

پیرامون «وقف»، «آثار وقف»، «وقف اسلامی» و «وقف در ایران» مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی نگاشته شده ولی کمتر به «آثار اجتماعی وقف» پرداخته شده است و تعداد مقاله‌ها و کتاب‌های نوشته شده در این زمینه بسیار کم است لذا در این تحقیق با مراجعه به اسناد اوقافی و مطالعه کتاب‌ها و مقالات مربوطه و همچنین بررسی هزینه‌ها و مصارف نیات واقفان کل کشور و مقابله اسناد اوقافی که در مرکز اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه موجود می‌باشد یا توسط آن سازمان و ادارات تابعه به چاپ رسیده با دیگر اسناد اوقافی که در آستان قدس رضوی و کتابخانه‌های مجلس و ملی صورت گرفته است؛ به آثار اجتماعی وقف و با تأکید بر بخش خاصی از این مباحث که در حیطه وقف اسلامی در جامعه ایرانی است، پرداخته‌ایم.

در قسمت قبل این مقاله، به سه بعد از آثار اجتماعی وقف که عبارت بودند از: امنیت اجتماعی، عدالت اجتماعی، حل معضلات و مشکلات فردی و اجتماعی اشاره نمودیم و در این قسمت به هفت بعد دیگر از این آثار که عبارتند از: آبادی شهرها، نوع دوستی، کمک به نیازمندان، رفع نیازهای مردم، برگزاری مراسم دینی، ایجاد اماکن مذهبی و اهتمام به کتابخانه‌ها می‌پردازیم.

کلید واژه‌ها:

وقف، ایران، وقف اسلامی، آثار اجتماعی وقف.

۴. آبادی شهرها

بعد چهارم اجتماعی وقف، آبادی شهرها به وسیله وقف است.^۱

اوقاف نقش بسیار مهمی در زندگی شهری بر عهده دارد و تأثیر وقف در پیشرفت و آبادانی شهرهای اسلامی در آغازین سده‌های بروز این سنت حسنه آشکار شد و از آن پس نیز به عنوان یک عامل مؤثر در عمران و آبادانی شهرهای اسلامی به شمار رفت.^۲

در کشور ایران وقف سرچشمه و زمینه ساز و علت وجودی بسیاری از مظاهر جغرافیایی و اجتماعی چون مساجد، تکایا، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، رصدخانه‌ها، زاویه‌ها، رباط‌ها، کاروانسراها، حمام‌ها، آب انبارها، قنات‌ها، پل‌ها و سایر اماکن عمومی اجتماعی که نقش اساسی در آبادی شهرها داشته، شده است. در واقع نهاد و اندیشه وقف هم به تأمین اعتبار و سرمایه لازم برای احداث مکان‌های جغرافیایی، چه خُرد و محدود چون پل یا آب انبار، چه کلان و گسترده چون شهرکی نظیر «ربع رشیدی» یا «شنب

غازان خان»^۳ و «رصدخانه مراغه»، و هم طراحی کلی، اشراف داشته است.^۴ هر یک از این موقوفات توانسته در برهه‌های مختلف باعث آبادی شهرها و پیرامون خود باشد که این مقال گنجایش نگارش تمام موقوفات و یا برخی از بارزترین آن‌ها را ندارد که چگونه این موقوفات توانست شهرها را آباد و باعث رونق آن گردد.

در این جا، جای آن دارد به یکی از آن موقوفات که اثری شگرف در آبادی علمی، معنوی و حتی ظاهری شهر مراغه برجای گذارد، اشاره کنم که تماماً وقف بوده و آثار فراوانی در شهرهای پیرامون خود برجای گذارد. آری بی‌اغراق رصدخانه بزرگ مراغه را باید عظیم‌ترین پدیده علمی پژوهشی دانست که قبل از رنسانس غرب در سراسر جوامع انسانی به وقوع پیوست. هیچ یک از رصدخانه‌هایی که قبل [و حتی بعد] از رصدخانه مراغه ساخته شده‌اند، از نظر منزلت والای پژوهشی علمی و مقام آموزشی به پای این رصدخانه نمی‌رسید. دقایق و

ظریفی که در این مجتمع وقفی به کار گرفته شد، بعدها به منزله الگویی برای دیگر مراکز علمی در شرق و غرب جهان گشت، رصدخانه سمرقند که از مشهورترین رصدخانه‌های اسلامی بود با مقیاس بزرگ به تقلید از رصدخانه مراغه ساخته شد^۵؛ و این نشان از آن دارد که موقوفه مراغه علاوه بر آن که توانست شهر خود را آباد گرداند، باعث تأسیس رصدخانه‌های دیگر برای آبادی دیگر شهرها شد.

پروفسور محمد عبدالسلام، فیزیکدان برجسته پاکستانی و برنده جایزه نوبل فیزیک در سال ۱۹۷۹ میلادی می‌نویسد: «رصدخانه مراغه با بیست اخترشناس از سرتاسر دنیای اسلام تحت سرپرستی دانشمند بزرگ خواجه نصیر طوسی احتمالاً اولین رصدخانه جهان به معنای واقعی کلمه بود.^۶» این رصدخانه تنها مخصوص رصد ستارگان و سیارات نبود، بلکه سازمان علمی مفصلی بود که در آن تقریباً تمام شاخه‌های علوم تدریس می‌شد و مشهورترین

دانشمندان سده میانی در آن جمع شده بودند^۷ ریاست این سازمان عظیم علمی با خواجه نصیرالدین طوسی (وفات ۶۷۲ هجری) بود و دانشورانی عالی‌قدر از اقصی نقاط گیتی، از چین تا تونس، در این محفل علمی گرد هم آمده بودند. این مجموعه پژوهشی چنان تأثیر شگرفی در روند علوم ستاره‌شناسی، ریاضیات، فلسفه و علوم وابسته به آن‌ها بر جای گذاشت که تا سیصد سال بعد از آن (عصر اختراع تلسکوپ) نظریات و آراء مکتب ستاره‌شناسی مراغه در تمام رصدخانه‌ها به کار گرفته می‌شد. اخترشناسی، فلسفه و حکمت، ریاضیات، هندسه و طب علمی بودند که از اهمیت بسزایی برخوردار بودند و در مدارس این مرکز عظیم علمی تحت اشراف متخصصان آن رشته تدریس می‌شدند. ابن کثیر می‌نویسد: «خواجه برای هر یک از فلاسفه روزی سه درهم، اطبا دو درهم، فقها یک درهم و محدثین نصف درهم حقوق می‌داد»^۸. ماریا نیکلایوونا از محققین برجسته غربی به صراحت از وجود مدرسه

بزرگ ریاضیات در مراغه سخن رانده است.^۹ یکی از بزرگ‌ترین ریاضیدانان این مدرسه، محیی‌الدین ابوالفتح یحیی بن ابی‌الشکر مغربی است که بیش از بیست و پنج سال در مراغه اقامت گزید و به پیشرفت‌های شگرفی در دانش هندسه و ریاضیات نایل شد. «کالین رنان» می‌نویسد: «محیی‌الدین مغربی بر اثر تلاش‌های طاقت‌فرسا توانست عدد پی (p) را محاسبه کند و مقدار سینوس‌ها را به دست آورد و نیز توانست راه تازه‌ای برای اثبات قضیه سینوس پیدا کند».^{۱۰}

یکی دیگر از واحدهای مهم رصدخانه مراغه کتابخانه عظیم و حیرت‌انگیز آن است که بیش از چهارصد هزار جلد کتاب ارزنده را در خود جای داده بود.^{۱۱} ابن فوطی بغدادی که بیش از ده سال ریاست این کتابخانه را به عهده داشت توانست با استفاده از نفایس و ذخایر علمی این کتابخانه سترگ، کتاب عظیم مجمع‌الآداب فی معجم‌الاسماء واللقاب را در پنجاه جلد تدوین کند. مرحوم استاد محیط

طباطبایی می‌نویسد: «رصدخانه و کتابخانه مراغه بنا به شهادت کتابدارش، ابن فوطی، تا عهد ابوسعید ایلخانی (م ۷۳۶ ه. ق) حدود هفتاد سال دایر و محل رجوع محققین بود».^{۱۲}

این دانشگاه بزرگ وقفی در دوره‌های مختلف شاهد حضور اساتیدی همچون خواجه نصیرالدین طوسی جهرودی (م ۶۷۲ ه. ق)، نجم‌الدین دبیران قزوینی (م ۶۷۵ ه. ق)، فخرالدین ابواللیث محمد مراغی (م ۶۶۷ ه. ق)، فخرالدین خلاطی (م ۶۸۰ ه. ق)، مؤیدالدین عُرُضی دمشقی (م ۶۶۴ ه. ق)، فریدالدین طوسی (م ۶۹۹ ه. ق)، محیی‌الدین یحیی مغربی (م ۶۸۲ ه. ق)، قطب‌الدین شیرازی (م ۷۱۰ ه. ق)، نجم‌الدین دامغانی (م ۶۸۰ ه. ق)، ابوالفرج ابن‌عبری مسیحی (وفات ۶۸۵ ه. ق) رئیس ژاکوبنهای شرق^{۱۳} بود و توانست شاگردانی همچون قطب‌الدین شیرازی (م ۷۱۰ ه. ق)، سید رکن‌الدین استرآبادی، کمال‌الدین بغدادی، معروف به ابن فوطی (م ۷۲۳ ه. ق)، محیی‌الدین بغدادی

(م ۷۰۳ ه. ق) و عزالدین قاسم بن عبدالکریم سنجاری^{۱۴} و صدها دانشمند دیگر را تربیت کرده و به این وسیله به آبادی علمی شهرها و نقاط دیگر دست نوازد.

به طور کلی سیاست وقف، نقش بارزی در عمران شهرهای اسلامی بر عهده داشت؛ زیرا نظام وقف از جهتی تشویقی برای تأسیس بناهای دینی موقوفه با همراه داشتن مفهوم سیاسی و کاربردهای مذهبی به شمار می‌رفت و از جهتی دیگر موجب می‌شد تا آیندگان برای نگهداری و توسعه و تأسیس آن‌ها اهمیت بسیار زیادی قایل شوند و از این طریق بودجه تأسیسات را تأمین کنند. اثرات علاوه بر بناهای دینی مسایل اجتماعی و آموزشی را نیز در بر گرفت.^{۱۵}

علاوه بر شهرک‌ها و مراکز علمی وقفی که تأثیر فراوانی در آبادی شهرها داشته است، یکی از موارد وقف، تأسیسات خدمات عمومی بود. تأسیسات خدمات عمومی درصد بالایی از بافت معماری شهرهای اسلامی را به

خود اختصاص می‌دادند و با تأسیس آن‌ها جاذبه‌هایی برای مهاجرت مردم به شهر به وجود می‌آمد که نتیجه آن توسعه عمران شهرها بود. غالباً انگیزه بنای چنین تأسیساتی از خیرخواهی و نیکوکاری سرچشمه گرفت و برای آن‌ها موقوفاتی تعیین می‌کردند تا به ارایه خدمات آن‌ها استمرار ببخشند.

در داخل بازار، موقوفاتی همچون اماکن مذهبی از فعالیت‌های دینی حمایت می‌شد و عملکردها و ساختارهای موجود در دیگر نواحی شهری را تحت تأثیر وقف قرار می‌داد؛ و می‌توان گفت وقف در پرتو دینداری مردم توانست بخش عمده و اساسی در اقتصاد سنتی شهرها و نهادهای اجتماعی وابسته به آن را تشکیل داده و باعث آبادی اقتصادی شهرها گردد و از سود فعالیت‌های اقتصادی، اماکن مذهبی آباد گشت و باعث آبادی دینی و معرفت مذهبی مردم شد.

وقف به عنوان یکی از الزامات، نهادهای و رسوم قانون اسلامی، در هر حال تأثیر مهمی در شهرهای سنتی

ایران دارد و این خود عاملی برای حمایت از اماکن مذهبی و عملکردهای آن‌ها و دیگر امکانات بوده است.^{۱۶}

با مطالعه تاریخ شهرها پی می‌بریم که در کشور ایران جریان شهر آفرینی و شکل‌دهندگی شهری آن در مقیاس وسیع به دوران صفوی برمی‌گردد که رشد و بالندگی شهرها در آن روزگاران از سده دهم هجری قمری بدون توجه به نهاد وقف تقریباً تصورناپذیر است. از آن دوره‌ها علاوه بر تأسیس اماکن شهری، موقوفاتی برای حفظ و نگهداری آن‌ها به صورت عام و یا خاص برخی از اماکن توسط سازنده آن مکان و یا افراد دیگر که بعدها از آن اماکن استفاده‌ها برده‌اند صورت گرفته است.

برای مثال برخی از واقفان در شهرهای گرم یخچال‌هایی را ایجاد می‌کردند و بعدها افرادی آن را مرمت و یا اموالی را برای مرمت و نگاه‌داری از آن اختصاص می‌دادند (۸۱۱۸۰۱۰۱۵). همچنین تعمیر آب انبارها (۸۱۱۸۰۱۰۰۵) و احداث آن‌ها (۸۱۱۸۰۱۰۲۹) و تعمیر

پل‌ها (۸۱۱۸۰۱۰۱۶) و (۸۱۱۸۰۱۰۲۸) و احداث پل (۸۱۱۸۰۱۰۲۰) و تعمیر حمام‌ها (۸۱۱۸۰۱۰۳۲) و احداث آن (۸۱۱۸۰۱۰۲۷) و بسیاری از اماکن شهری دیگر که تماماً حکایت از آبادی شهرها در پرتو وقف و موقوفات دارد.

۵. نوع دوستی

بُعد پنجم اجتماعی نهاد وقف که از زیبایی بیشتری برخوردار است نوع دوستی، خیرخواهی و مردم‌گرایی است.^{۱۷}

در این بُعد بهترین روابط انسانی حاکم می‌شود و دیوارهای تنگ فرد پرستی و بی‌تفاوتی نسبت به زندگی دیگران فرو می‌ریزد این بعد وقف به قدری اهمیت دارد که صرفاً به مسلمانان محدود نمی‌شود و بهره‌مندی کافران ذمی را هم از موقوفات جایز دانسته و حتی وقف مال مسلمانان را جهت استفاده کافر؛ بلا اشکال می‌داند.^{۱۸}

بنا بر آموزه‌های دینی در جامعه اسلامی همه در قبال دیگر هم‌نوعان، خود را مسئول دانسته و بهترین مردم

نافع ترین آن‌ها برای مردم معرفی شده‌اند. این حس مسئولیت‌پذیری در وقف بیشتر است، زیرا واقف بدون هیچ متنی به کمک هم‌نوعان خود می‌شتابد، و هیچ نیتی جز مساعدت ندارد؛ چرا که در وقف از آنجایی که بهره‌برداری کنندگان از منافع و عایدات موقوفات، مستقیماً با واقف روبرو نمی‌شوند باعث هیچ‌گونه منت‌گذاری و تحقیری نخواهد شد و عزت افراد کاملاً محفوظ مانده و محترم شمرده می‌شود.

اسناد موقوفات تماماً حکایت از نوع دوستی دارد به گونه‌ای که تمام نیت‌های خیرین در همه ابعاد، نوعی علاقه به مردم است، افرادی که بیمارستان، مدرسه، حمام، آب انبار و اماکن مذهبی را بنا می‌کنند یا برای استمرار فعالیت‌های آن وقف می‌نمایند به حرکت مردم در راه هدایت و سلامتی ظاهری و باطنی آن‌ها علاقه داشته‌اند که چنین وقف‌هایی را از اموال خود بجای گذارده‌اند.

همچنین واقفانی که برای مردم دلسوزی کرده اطعام انسان‌ها را نیت

می‌نمایند و به اشکال مختلفی همچون اطعام همسایگان (۸۱۱۶۰۷۰۰۴)، اطعام به فقراء و مساکین (۸۱۱۶۰۷۰۱۲)، افطار به زنان فقیر (۸۱۱۶۰۷۰۱۶)، اطعام عزاداران (۸۱۱۶۰۷۰۱۷)، اطعام اهل فضل و تقوی (۸۱۱۶۰۷۰۲۸)، اطعام به رهگذران (۸۱۱۶۰۷۰۳۳)، اطعام به معلمان (۸۱۱۶۰۷۰۳۴) و ... را در وقفنامه‌های خود قید می‌کنند در مسیر نوع دوستی گام برداشته‌اند.

نوع دوستی ابعاد دیگری نیز همچون اعانت مردم در تمام شئون زندگی می‌یابد و واقفان را بر آن می‌دارد که وقف را در مسیر هرچه گمان می‌برند کسی اهتمام به آن نداشته و یا به دلیل عدم بودجه لازم، به سوی تعطیلی گام برمی‌دارند، به کار برند.

برای مثال موقوفاتی برای کفن افراد فقیر (۸۱۱۷۰۱۰۳۲)، کفن و دفن غریب بی‌چیز (۸۱۱۷۰۱۰۰۵) و حتی تهیه خشت لحد گورستان‌ها (۸۱۱۷۰۱۱۰۳) و کمک به سالمندان و بیوه‌زنان (۸۱۱۷۰۱۰۳۱) و کمک به شیوخ و پیران از کار

افتاده (۸۱۱۷۰۱۰۹۵)، در راه نوع دوستی و مساعدت به افراد جامعه است.

یکی از مهم ترین ابعاد نوع دوستی، کمک و همراهی با افرادی است که سرپرست و یا متولی ندارند که در این باب می توان صدها موقوفه را نام برد که جهت اسکان خانواده های بی سرپرست تحت پوشش بهزیستی (۸۱۱۷۰۴۰۰۱)، خرید لباس برای اطفال ایتم (۸۱۱۷۰۴۰۰۲)، صرف هزینه تحصیل فرزندان ایتم (۸۱۱۷۰۴۰۰۳)، جهت پرورشگاه یتیمان (۸۱۱۷۰۴۰۰۴)، اسکان و کمک به امور معاش ایتم (۸۱۱۷۰۴۰۰۵)، کمک به ایتم فقیر (۸۱۱۷۰۴۰۰۶)، پرستاری ایتم (۸۱۱۷۰۴۰۰۷)، دانش آموزان بی سرپرست (۸۱۱۷۰۴۰۰۸)، جهت ایتم سادات (۸۱۱۷۰۴۰۰۹)، کمک به آسایشگاه ایتم (۸۱۱۷۰۴۰۱۰)، احداث دارالایتم در اراضی وقف (۸۱۱۷۰۴۰۱۱)، مصالح عامه ایتم (۸۱۱۷۰۴۰۱۲)، تأمین غذای ایتم (۸۱۱۷۰۴۰۱۳)، خانواده بی سرپرست (۸۱۱۷۰۴۰۱۴)، مصرف

در امور ایتم (۸۱۱۷۰۴۰۱۵)، صرف رختخواب و پوشاک ایتم سادات (۸۱۱۷۰۴۰۱۶)، صرف صغار از ایتم (۸۱۱۷۰۴۰۱۷)، صرف مدرسه جهت تعلیم ایتم (۸۱۱۷۰۴۰۱۸)، لوازم التحریر اطفال یتیم (۸۱۱۷۰۴۰۱۹)، جهت ایتم زیر هجده سال (۸۱۱۷۰۴۰۲۰)، ایجاد پرورشگاه (۸۱۱۷۰۴۰۲۱)، کمک به هزینه زندگی و گرم کردن خانه یتیمان (۸۱۱۷۰۴۰۲۲)، جهت یتیمان (۸۱۱۷۰۴۰۲۳)، جهت کودکان بی سرپرست درس خوان (۸۱۱۷۰۴۰۳۰)، کمک به زنان سرپرست یتیم (۸۱۱۷۰۴۰۳۱)، در شئون مختلف زندگی همچون اسکان خانواده های بی سرپرست تحت پوشش بهزیستی (۸۱۱۷۰۴۰۰۱) و اسکان و کمک به امور معاش ایتم (۸۱۱۷۰۴۰۰۵)، خرید لباس برای اطفال ایتم (۸۱۱۷۰۴۰۰۲)، مدرسه جهت تعلیم ایتم (۸۱۱۷۰۴۰۱۸)، صرف هزینه تحصیل فرزندان ایتم (۸۱۱۷۰۴۰۰۳)، دانش آموزان

بی سرپرست (۸۱۱۷۰۴۰۰۸)، اسکان و کمک به امور معاش ایتم (۸۱۱۷۰۴۰۰۵) و تأمین غذای ایتم (۸۱۱۷۰۴۰۱۳) اختصاص یافته است.

برخی از واقفان با وقف‌های زیبای خود، پا را از نوع دوستی فراتر گذاشته و حتی برای رسیدگی به حیوانات موقوفاتی داشته‌اند. در شماره کد (۸۱۱۷۰۱۰۸۸) که جهت هزینه غذای حیوانات در نظر گرفته شده موقوفاتی برای غذای چهارپایان، پرندگان، کبوتران و... در تمامی فصول یا فصل زمستان وجود دارد که انسان را متحیر می‌سازد که چگونه برخی از خیرین علاوه بر رسیدگی به مردم، به فکر حیوانات پیرامون نیز هستند.

۶. کمک به نیازمندان

ششمین بعد اجتماعی وقف را می‌توان کمک‌های بی دریغ به نیازمندان برشمرد.

در بُعد اجتماعی، وقف همچون چتری بزرگ سایه خود را بر سر تمام نیازمندان و محرومان می‌گستراند و

جامعه را از فقر که عامل بسیاری از مفاسد اجتماعی، اخلاقی و سستی در ارکان دینی است نجات می‌دهد و امکان همزیستی مسالمت آمیز را در محیطی مملو از اخوت و حُسن ظن که زمینه ساز پیشرفت و تعالی جامعه خواهد شد فراهم می‌کند.

با نگاهی به نیت‌های واقفان در ایران و حتی کشورهای دیگر می‌توان اذعان داشت که اکثر وقف‌ها در جهت کمک رسانی مستقیم یا با واسطه به نیازمندان صورت گرفته است^{۱۹}؛ در این راستا نیت‌هایی از واقفان می‌توان یافت که به این امر خداپسندانه اختصاص یافته است.

در این میان برخی از نیت‌ها به صورت عام می‌باشد و یا به نیت کمک به مستمندان به نیابت از ائمه معصومین (علیهم السلام) است مانند خیرات حضرت ابوالفضل (۸۱۱۷۰۱۰۲۴) و یا خیرات امام حسین (۸۱۱۷۰۱۰۲۵).

برخی از نیت‌ها برای زمان خاصی در نظر گرفته شده مانند:

سوخت زمستانی برای مستمندان (۸۱۱۷۰۱۰۰۸) در ایام عید نوروز به دانش آموزان بی بضاعت داده شود (۸۱۱۷۰۳۰۱۰).

برخی از نیت‌ها برای گروه‌های خاصی است همانند: مساعدت به روستاییان کشاورز بی بضاعت (۸۱۱۷۰۱۰۲۲)، جهت فقرای محل (۸۱۱۷۰۱۰۱۳) و یا جهت سادات فقیر (۸۱۱۷۰۱۰۱۲) و جهت سادات (۸۱۱۷۰۱۰۴۸) و سادات بی بضاعت (۸۱۱۷۰۱۰۴۹)، اسکان موقت تازه عروس، دامادهای بی بضاعت (۸۱۱۷۰۱۰۱۵)، در غدیر عیدی به طلاب و فقراء داده شود (۸۱۱۷۰۱۰۴۱) و جهت فقرای اهل علم (۸۱۱۷۰۱۰۶۶).

برخی از نیت‌ها برای کاری خاص برای نیازمندان وقف گردیده است، مانند:

تعمیر و تهیه مسکن مستمندان (۸۱۱۷۰۱۰۲۹) و تأمین آب شرب افراد بی بضاعت (۸۱۱۷۰۱۰۳۰).

برخی از این نیت‌ها که اثرات فراوانی نیز در جامعه داشته و توانسته

سطح اجتماعی مردم را بالا برده و گره‌گشایی در اموراتی اجتماعی بنماید، آن‌چنان زیبا است که حکایت از تیزی بینی و درایت واقف دارد و نشان دهنده این موضوع است که واقفان، درد جامعه را احساس کرده و بر اساس آن به وقف اموال دست نوازیده‌اند. به برخی از آن‌ها با ذکر شماره کدشان در مرکز اسناد اوقافی اشاره می‌نماییم.

در راه ماندگان (۸۱۱۷۰۱۰۰۱)، کمک به زندانیان (۸۱۱۷۰۱۰۰۴)، خرید کاغذ (۸۱۱۷۰۱۰۰۶)، قرض الحسنه برای کمک به نیازمندان (۸۱۱۷۰۱۰۲۷)، کمک هزینه خرید کتاب و سایر احتیاجات کتابخانه (۸۱۱۷۰۳۰۰۳)، اسکان و کمک به امور معاش مستمندان (۸۱۱۷۰۱۰۱۰)، اسکان موقت افراد بی بضاعت (۸۱۱۷۰۱۰۳۹)، تعمیر و تهیه مسکن مستمندان (۸۱۱۷۰۱۰۲۹)، وام قرض الحسنه برای کاسب‌های بی بضاعت (۸۱۱۷۰۱۰۱۴)، خرید لباس اعیاد متبرکه اسلامی (۸۱۱۷۰۱۰۶۲)، صرف لباس و زغال و اطعام فقرا (۸۱۱۷۰۱۰۳۳)، تهیه لباس شب عید

محصلین بی بضاعت (۸۱۱۷۰۳۰۰۵)، لباس برای فقرا علویان سلسله طباطبایی (۸۱۱۷۰۱۰۳۷)، میوه و شیرینی برای بیماران نیازمند (۸۱۱۷۰۱۰۳۴)، جهت معالجه مجتهدین صاحب فتوای بی بضاعت (۸۱۱۷۰۱۰۵۹)، جهت هزینه‌های جاری کودکان معلول (۸۱۱۷۰۱۰۸۴)، جهت کمک به معلولین (۸۱۱۷۰۱۰۹۰).

اثر کمک به نیازمندان آن‌چنان فراوان است که از بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی و مفسد اخلاقی جلوگیری کرده و انسان‌های نیازمند را به جامعه‌ای رو به رشد و خلاق تبدیل می‌نماید.

۷. رفع نیازهای مردم

بعد هفتم وقف، رفع نیازهای مردم است.

تمام انسان‌ها در زندگی روزمره خود نیازمند آفریده شده و هرکس در پی آن است با اقدامات خود نیازهای خود را رفع و به مردم خدمت‌رسانی کرده تا بخشی از نیازهای آن‌ها نیز مرتفع گردد.

در این مسیر برخی از انسان‌ها برای رفع نیازهای مردم دست به ایثار زده و اموالی را از مالکیت خود خارج کرده و منفعت عموم مردم را لحاظ نموده و املاک و اموال خود را وقف مصالحی می‌نمایند.

در یک نگاه کلی می‌توان ادعا نمود تمام موقوفات در راستای رفع نیازهای مردم است، حال این نیاز به چه کسانی تعلق گیرد و چه مقدار می‌تواند نیازهای اولیه مردم را مرتفع سازد، بستگی به نیت‌های واقفان دارد.

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان نیازهای مردم را به مادی و معنوی و یا به عبارت دیگر ظاهری و باطنی تقسیم نمود.

در بخش باطنی و معنوی مردم نیازمند بالا بردن سطوح آگاهی به معارف دینی، علم و دانش، حرفه و فنون و ... می‌باشد که در جوامع اسلامی و خصوصاً کشور ایران موقوفات مستقیم و غیرمستقیم فراوانی می‌توان یافت که پاسخگوی این نیازهای معنوی و باطنی قرار گرفته است.

در بخش ظاهری و مادی نیز مردم نیاز دارند که دارای مسکن، شغل درخورشان بوده و بتوانند به آسانی ازدواج نموده و لوازم آموزشی و شغلی خود را فراهم آورده و در مواقع مقتضی به سفرهای زیارتی رفته و بقیه شئون زندگی خود را سپری نمایند که در این باره نیز موقوفات توانسته نیازهای مردم را مرتفع سازد.

و علاوه بر موارد مذکور وقف در جامعه‌ها توانسته تمام اقشاری را که به صورت مستقیم از اموال وقف استفاده نمی‌نمایند، مدیون خود سازد چرا که در جوامع اسلامی همه مردم نیازهای خود را با وقف مرتفع می‌سازند؛ چرا که کسی را نمی‌توان یافت که با مسجد، بقاع متبرکه، حسینیه‌ها و... مرتبط نباشد و یا از آن بهره نبرده باشد که در این صورت توانسته نیازهای معنوی خود را از موقوفات مرتفع سازد.

۸. برگزاری مراسم دینی

بعد هشتم اجتماعی وقف تهیه و تدارک قسمت اعظم مراسم دینی در

شهرها و سازماندهی و تقبل و تأمین تمام یا قسمتی از هزینه‌های جاری و تعمیرات و مرمت مساجد و حسینیه‌ها جهت برگزاری مراسم عزاداری و اعیاد و جشن‌های مذهبی و سایر مناسبت‌ها و رویدادهای دینی است.

مردم ایران از آغازین روزهای ورود اسلام به ایران، با برپایی مراسم مذهبی، معرفت دینی خود را افزایش دادند و همین مجالس باعث شد به معارف غنی دینی پی برده، به مکتب تشیع گرایش یافته و با محبت اهل بیت (علیهم السلام) خو گرفته و این محبت را به شکل‌های مختلف همچون ایراد نکات ادبی و شعر و به مناسبت‌های مختلف همچون اعیاد و ایام عزاداری نشان داده‌اند.

این محبت با آغاز حکومت صفویه و فراگیر شدن تبلیغات دینی و شیعی رو به ازدیاد رفت و چه بسیار اماکن مذهبی که با حب و علاقه وافر مردم به ائمه معصومین (علیهم السلام) بنا نهاده شد و آثاری که متعلق به فرزندان ائمه معصومین (علیهم السلام) همچون بقاع متبرکه است احیاء گردید.



وقف

عطر والدتي

جبار

علاوه بر اماکن، روزهایی در هر سال وجود دارد که به میلاد و یا شهادت ائمه معصومین (علیهم السلام) تعلق دارد و یا اتفاقی افتاده که دلالت بر عظمت، امامت و عصمت آن گرامیان دارد همچون روز مباهله و غدیر خم.

احیاء این روزها نیز اعلام تولا به خاندان وحی است و با احیاء این روزها، محبت مردم به معصومین (علیهم السلام) بیشتر شده و در پرتو جلسات برپا شده در این ایام علم و دانش آن‌ها به معارف دینی شان رو به ازدیاد می‌رود.

بر همین اساس واقفان، اماکنی را برای برپایی مجالس سوگواری و برپایی شادمانی اعیاد وقف می‌نمایند که حسینه‌ها و بقاع متبرکه از قدمت بیشتری برخوردار است، همچنین برخی از واقفان اماکنی را برای اداره و احیاء و تعمیرات این اماکن وقف می‌نمایند و یا موقوفاتی را برای برگزاری این‌گونه جلسات اختصاص می‌دهند. که البته در این بخش به نیت‌های اماکن مذهبی اشاره نخواهیم

کرد ولی از میان نیت‌های واقفان، مواردی یافت می‌شود که برای برپایی مراسم دینی و مذهبی اختصاص یافته که به موارد زیر اشاره می‌شود:

۱. مراسم‌های روضه‌خوانی:

وقف اموال و اماکنی برای برپایی روضه‌خوانی در بین شیعیان ایران و کشورهای دیگر امری بسیار متداول است که بنیان‌گذار آن، رئیس مکتب تشیع حضرت امام صادق علیه السلام می‌باشند.

مهران بن محمد نقل می‌کند: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) أَوْصَى أَنْ يُنَاحَ عَلَيْهِ سَبْعَةَ مَوَاسِمَ فَأَوْقَفَ لِكُلِّ مَوْسِمٍ مَالًا يُنْفَقُ فِيهِ. ۲۰

محبت مردم به خاندان وحی باعث گردیده با نیت‌های خالصانه اموالی را برای برپایی مجالس روضه‌خوانی هر یک از حضرات معصومین (علیهم السلام) اختصاص دهند؛ برای نمونه به موارد زیر توجه کنید:

روضه حضرت علی (۸۱۱۶۰۴۰۱۹)،
روضه حضرت (۸۱۱۶۰۳۰۰۱)،

فاطمه زهرا (۱۱۶۰۳۰۰۲)، روضه حضرت سیدالشهداء (۱۱۶۰۳۰۰۳)، روضه حضرت ابوالفضل العباس (۱۱۶۰۳۰۰۴)، روضه ائمه اطهار (۱۱۶۰۴۰۲۰)، (۱۱۶۰۳۰۰۵)، روضه خوانی مردانه (۱۱۶۰۳۰۰۶)، روضه خوانی زنانه (۱۱۶۰۳۰۰۷)، روضه خوانی (۱۱۶۰۸۰۰۲)، (۱۱۶۰۳۰۰۸)، لوازم روضه خوانی (۱۱۶۰۳۰۰۹)، روضه خوانی امام حسن (۱۱۶۰۳۰۱۰)، خرید لوازم جهت روضه خوانی و سفره (۱۱۶۰۳۰۱۱) جهت هیئت عزاداران زینبیه (۱۱۶۰۴۰۰۹)، مرثیه خوانی (۱۱۶۰۴۰۱۰)، چای و قهوه و قلیان و ... برای عزاداری (۱۱۶۰۴۰۱۷)، جز این موارد، صدها موقوفه وجود دارد که بخشی از درآمد را برای برپایی مجالس عزاداری اختصاص داده‌اند

۲. مراسم تعزیه داری^{۲۱}

جهت تعزیه داری پیامبر و اهل بیت (۱۱۶۰۴۰۰۳)، تعزیه داری حضرت رسول (۱۱۶۰۴۰۱۸)، تعزیه داری امام علی (۱۱۶۰۴۰۲۶)،

تعزیه داری حضرت فاطمه زهرا (۱۱۶۰۴۰۰۱)، تعزیه داری حضرت سیدالشهداء (۱۱۶۰۴۰۰۲)، تعزیه داری امام رضا (۱۱۶۰۴۰۲۴)، تعزیه داری حضرات معصومین (۱۱۶۰۴۰۰۶)، تعزیه داری و شبیه خوانی (۱۱۶۰۴۰۱۱)، (۱۱۶۰۴۰۱۶)، (۱۱۶۰۴۰۰۴)، تعزیه داری و احسان (۱۱۶۰۴۰۰۵)، شهادت ائمه اطهار (۱۱۶۰۴۰۰۷)، خرج و صرف مستمعین تعزیه (۱۱۶۰۴۰۰۸)، تعزیه خوانی و جوایز به روضه خوان و ذاکرین (۱۱۶۰۴۰۱۲)، خرید مس جهت مطبخ تعزیه خانه (۱۱۶۰۴۰۱۳)، خریداری اسباب لوازم تعزیه (۱۱۶۰۴۰۱۴)، مخارج ایام تعزیه (۱۱۶۰۴۰۱۵)، تعزیه داری حضرت ابوالفضل (۱۱۶۰۴۰۲۱)، جهت بستن علم حضرت ابوالفضل (۱۱۶۰۴۰۲۲)، اثاثیه و تجهیز نخل عزاداری (۱۱۶۰۴۰۲۵)، خرید لباس جهت شبیه امام حسین (۱۱۶۰۵۰۰۱).

۳. مراسم اعیاد و جلسات مذهبی

برگزاری جشن‌ها و اعیاد مذهبی (۸۱۱۶۰۵۰۰۲)، ولادت معصومین (۸۱۱۶۰۵۰۰۳)، در موالید چهارده معصوم (۸۱۱۶۰۵۰۰۴)، مراسم جهت چهارده معصوم (۸۱۱۶۰۵۰۰۶)، پرداخت هزینه‌های اعیاد مذهبی (۸۱۱۶۰۵۰۰۹)، جهت تلاوت دعای کمیل (۸۱۱۶۰۵۰۱۰)، تعظیم شعائر اسلامی (۸۱۱۶۰۵۰۱۱)، احسان پنج تن آل عبا (۸۱۱۶۰۵۰۱۵)، هزینه تشکیل جلسات تبلیغاتی و سوگواری بزرگان دین اسلام (۸۱۱۶۰۵۰۱۶).

۴. جهت ادای فرائض دینی و مذهبی

جهت ترویج مکتب اسلام (۸۱۱۶۰۵۰۰۷)، جهت تبلیغات مذهبی (۸۱۱۶۰۵۰۰۸)، ادای نماز جمعه (۸۱۱۶۰۵۰۰۵)، نایب الزیاره عتبات و عالیات (۸۱۱۶۰۸۰۰۱)، استیجار حج به شخص امین (۸۱۱۶۰۸۰۰۳)، جهت مسئله‌گو (۸۱۱۶۰۸۰۰۴)، طلاب جهت نایب الزیاره (۸۱۱۶۰۸۰۰۵)،

جهت مؤذن (۸۱۱۶۰۸۰۰۶)، جهت ختم قرآن و قرائت (۸۱۱۶۰۸۰۰۷)، قاری جهت ختم قرآن (۸۱۱۶۰۸۰۰۸)، جهت نماز وحشت (۸۱۱۶۰۸۰۰۹)، فراگیری مسائل دینی و تصحیح حمد و سوره (۸۱۱۶۰۸۰۱۰)، واجبات اتفاقیه (۸۱۱۶۰۸۰۱۱)، جهت گفتن مسائل شرعیه (۸۱۱۶۰۸۰۱۲)، جهت گفتن حدیث (۸۱۱۶۰۸۰۱۳)، جهت اداء فرائض (۸۱۱۶۰۸۰۱۴)، جهت انجام امور خاص (۸۱۱۶۰۸۰۱۵)، تعقیب نمازهای پنج‌گانه (۸۱۱۶۰۸۰۱۶)، برای ذکر صلوات و لاله‌الاله (۸۱۱۶۰۸۰۱۷)، نایب الزیاره مشهد (۸۱۱۶۰۸۰۱۸) و نایب الزیاره (۸۱۱۶۰۸۰۱۹).

۹. اماکن مذهبی

بُعد نهم اجتماعی وقف، ایجاد و توسعه کمی و کیفی اماکن مذهبی اسلامی است.

این مکان‌ها خاصه مساجد، حایز اهمیت بسیارند چه، از یک سو تعدد و رونق و آبادانی آن‌ها معرف دین‌مداری و سعادت‌مندی دنیایی و آخرتی جامعه

است و از دیگر سو، یکی از کارکردهای اساسی آن‌ها، فرهنگ سازی در گستره شکوهمند تمدن اسلامی است.

نقش اخیر، علی‌رغم حایز اهمیت بودن سایر کارکردها در روزگاری که تهاجم فرهنگی چشم به غارت گنجینه ارزشمند و ذی قیمت موارث معنوی جوامع دین‌مدار شرقی دوخته، واجد اهمیت بیشتری است. البته جایگاهی که اماکن مذهبی در دارالاسلام دارند، به هیچ روی قابل مقایسه با جایگاهی که در قلمرو سایر ادیان دارند نیست چرا که اصولاً در اسلام، فرهنگ از مرتبتی فرازمند و با شکوه برخوردار است؛ ضمن آن که مباحث و کنش‌هایی که در مساجد مجال طرح می‌یابند، بسیار اساسی‌تر و متنوع‌تر است. تا آنجا که می‌توان گفت زندگانی مسلمین با تمامی ابعادی که بر آن وارد است، با مساجد ارتباطی دیرینه و تنگاتنگ داشته و دارد؛ از اقامه فرایض انسان‌ساز گرفته تا طرح مسایل سیاسی پیچیده، بسیج افراد برای شتافتن به میادین کارزار و جهاد(نظامی، دانشگاهی، اقتصادی...)،

تعلیم و تعلم و مانند آن. در اینجا شایسته است اشاره‌ای به یکی از مساجد معروف موقوفه در ایران نماییم که به دلیل اهمیت آن کمتر کسی با آن آشنایی ندارد و یا به سوی آن نشتافته و از فضای معنوی آن بهره‌مند نگشته است، مسجد گوهرشاد که چون نگینی بر کشور ایران می‌درخشد و میزبان عاشقان امام رضا(علیه السلام) می‌باشد.

بانی این بنای شکوهمند و مسجد با عظمت زنی بسیار باوقار، خردمند و ثروتمند با نام گوهرشاد آغا یا گوهرشاد بیگم از اشراف زنان خراسان است. وی به سال ۷۸۰ ه. ق دیده به جهان گشود و در نهم رمضان سال ۸۶۱ ه. ق در سن هشتاد و یک سالگی بر اثر وسوسه جمعی، به فرمان سلطان ابوسعید برادرزاده همسرش در هرات به قتل رسید.

وی دختر امیر غیاث‌الدین از امرای عهد تیموری و همسر امیرزاده شاهرخ فرزند امیر تیمور گورکانی است. فرزندان وی میرزا ابراهیم و بایسنقر

میرزا به حسن خط و سایر کمالات و فضایل مشهور و ممتاز بودند.^{۲۲} امروزه آثار هنری و فرهنگی نفیسی از این دو برادر بجا مانده است. شخص مهد علیا گوهرشاد آغا نیز به هنر و دانش پروری مشهور بود و پیوسته گروهی از ماهرترین مهندسين عصر و مشهورترین خطاطان و تذهیب کاران را به خدمت داشت. آثاری که به همت این بانوی فاضله ساخته شده عبارت است از:

۱. مسجد جامع گوهرشاد در جوار حرم حضرت علی بن موسی الرضا(علیه السلام)
 ۲. مسجد جامع گوهرشاد بیگم در هرات
 ۳. مدرسه و خانقاه مهد علیا گوهرشاد آغا در هرات به همراه کتابخانه، بیمارستان و مهمان سرا.
- مسجد جامع گوهرشاد در مشهد مقدس رضوی(علیه السلام) یکی از مهم ترین ابنیه دوران شاهرخ تیموری است و در جنوب حرم مطهر حضرت رضا(علیه السلام) واقع شده است.

گوهرشاد آغا در سال ۸۱۲ ه. ق ساخت این مسجد را شروع کرده و به موجب تاریخی که در کتیبه ایوان مقصوره و به خط پسرش بایسنقر میرزا نوشته شده، این بنای باشکوه در سال ۸۲۱ ه. ق به انجام رسیده است.

مساحت این مسجد ۸۷۹۸ مترمربع می باشد که ۶۰۴۸ مترمربع آن زیربنا و ۲۷۵۰ مترمربع دیگر مساحت صحن مسجد است. ایوان مقصوره با ارتفاع ۲۵ ذرع بزرگ ترین ایوان این مسجد است که با مقرنس کاری و کاشی معرق تزیین شده است. اطراف محراب کتیبه ای از کاشی معرق به خط ثلث دارد. ارتفاع گنبد و هر یک از گلدسته ها نیز ۴۱ ذرع است. کتیبه ای به خط ثلث جالب از بایسنقر پسر گوهرشاد که از شاهکارهای هنر خطاطی به شمار می رود بر پیشانی ایوان مقصوره جای گرفته است. اغلب کاشی کاری ها و تزیینات این مسجد در سال های ۱۰۵۳ و ۱۰۸۷ و ۱۱۱۱ ه. ق و پس از آن صورت پذیرفته است. ساختمان مسجد گوهرشاد نیز زیر نظر

استاد قوام الدین شیرازی ساخته شده است.

پس از تمام شدن بنای مسجد در نیمه رجب ۸۲۹ ه. ق بانو گوهرشاد رقباتی را وقف این مسجد کرد. ایشان تولیت این موقوفات را با اولاد خود و در صورت انقراض ایشان با اولاد علی حمیدی علوی مشهدی رضوی و در صورت انقراض اولاد ذکور و اناث علوی، تولیت را با یکی از صالحان سادات رضوی مشهد قرار داد.

در مورد مصارف موقوفات مقرر شد از مجموع درآمد رقبات یک دهم حق التولیه متولی، یک دهم جهت کارمندان، ضابطان و عمال و معمار بقاع و مابقی درآمد، صرف عمران و آبادی مسجد گوهرشاد گردد. باقیمانده درآمد هم به افراد زیر اختصاص یابد:

امام جماعت نمازهای پنج‌گانه، خطیب، مصدر و معرف خوش‌خوان که روز جمعه و دوشنبه هر هفته برای واقفین یک جزء یا بیشتر قرآن بخواند، حفاظ خوش‌خوان که روز جمعه یا دوشنبه هر هفته یک جزء یا بیشتر قرآن

بخوانند، موزنان و فراشان و چنانچه از درآمد موقوفات چیزی اضافه آمد با صلاحدید متولی، به زوار حضرت رضاعلی^{علیه السلام} از صالحان و اعراب مکه و مدینه و مسافران بدهند.

از زمان تنظیم وقفنامه گوهرشاد تاکنون عده‌ای از خیرین املاکی را وقف این مسجد کرده‌اند که برخی از موقوفات عبارت است از:

۱. دویست رقبه زمین و باغ و کانال آب و غیره توسط سی و چهار تن از اهالی بوژمهران نیشابور: مورد مصرف موقوفه فرش و روشنایی مسجد و تولیت آن بر عهده متولی مسجد قرار داده شد.

۲. هشت شبانه روز آب از قنوات اسحاق آباد نیشابور: مورد مصرف روشنایی، فرش و تعمیرات مسجد و تولیت: ناظر مسجد در هر عصر.

۳. یازده طاق و یک دانگ از قنات اسحاق آباد اولیا و سفلی و خان بازق. مورد مصرف: صرف روشنایی و بوریای مسجد حاج محمد صادق در قریه اسحاق آباد و مابقی به مصرف

و روشنایی و بوری و سایر مصارف مسجد گوهرشاد برسد.

۴. ربع مزرعه دشدیش از بلوک اسحاق آباد نیشابور و نصف مزرعه عبدال آباد از بلوک اسحاق آباد نیشابور و شش هفتم از نصف مزرعه دولت آباد کلان بلوک درب قاضی و یک طاق و نیم از مدار دوازده سهم آب قریه فوشجان بلوک مازول با اراضی و صحاری. مورد مصرف: تعمیر و روشنایی و مقرری فراشان و بوری و تطهیر و تنظیف و ائمه جمعه و جماعت مسجد.

۵. نه قطعه باغات دالستان و محوطه‌های مزروعی در قریه ازغد بلوک اردمه از بلوکات مشهد. مورد مصرف: تعمیرات و روشنایی و مرمت و مقرری حفاظ و طلاب علوم دینی. تولیت: ناظر مسجد گوهرشاد.

۶. مجری المیاه و مزرعه میناآباد (میر کاکا) از بلوک تاغنکوه بخش فدیشه نیشابور. مورد مصرف: حصیر و چراغ مسجد و سایر مصارف ضروری. تولیت: حاکم شرع.

۷. سه چهارم از مزرعه گوندوک و نصف قنات و نیمی از مزرعه سیاسک و دو باب دکان در بازار مشهد. مورد مصرف: روضه خوانی در مسجد گوهرشاد و نهار خدمه مسجد. تولیت: میرزا محمد پسر واقف و اولاد او.

۸. نصف یک باغ میمی و مشجر واقع در ابرده. مورد مصرف: کلیه مخارج مسجد. تولیت: متولی مسجد در هر زمان.

۹. مزرعه شعر کهنه جلگه رخ از توابع تربت حیدریه خراسان. مورد مصرف: مقبره واقف و روضه خوانی در مسجد گوهرشاد و خرید پوستین برای زوار امام رضا (علیه السلام) و فقرا و کتابخانه مسجد گوهرشاد و خرید کتاب برای طلاب. تولیت: متولی مسجد گوهرشاد^{۲۳}.

امروزه مسجد گوهرشاد با توجه به درایتی که بانی آن در حُسن معماری و رفعت بنا و انتخاب محل و همچنین تنظیم وقفنامه بروز داده است به کانونی پریکت برای رشد و توسعه فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی به زائران و

ساکنان شهر مشهد تبدیل شده است. از دیگر سو، به گواه تاریخ، مساجد در جای جای کشور ایران همواره مهم‌ترین پناهگاه برای بیداری مردم و مستحکم‌ترین سد در برابر نفوذ اجانب و استعمارگران بوده‌اند که قیام مردم در مسجد گوهرشاد نمونه این ادعا می‌باشد.

در ایران بخش عظیمی از مساجد و اماکن مذهبی با نیات خیرخواهانه واقفان به صورت‌های فردی و یا گروهی ساخته شده است؛ چه بسیار مساجدی که مردم یک محل تصمیم بر بنای آن کرده و در طی سالیان متمادی از اموال خود گذارده و آن را بنا نموده و موقوفاتی را برای ادامه کار مسجد اختصاص داده‌اند.

با رجوع به اسناد موقوفات، مشاهده می‌کنیم بسیاری از موقوفات نیز به نیت احداث، تعمیر، تجدید، رسیدگی به امورات، حقوق کارکنان و خدمه اماکن مذهبی و مساجد صورت گرفته است. باید توجه داشت نیات واقفان در این بخش بسیار متنوع و برخی بر اساس

سلیقه‌های فردی و ذوق آن‌ها بوده که برای نمونه طی شش بخش به چند مورد که بسیار در موقوفات مشاهده شده اشاره می‌گردد.

۱. ساخت مساجد: احداث مسجد (۱۰۱/۱۲۲۰۸۱)، (۴/۱۰۴/۱۲۲۰۸۱)، احداث بقعه و بارگاه (۱۰۱/۱۲۳۰۸۱)، احداث مکان‌هایی مناسب برای تعلیم و تعلم قرآن و کتابخانه در امامزاده (۸/۱۰۸/۱۲۳۰۸۱).

۲. تعمیرات مساجد: بازسازی و توسعه مساجد (۲/۱۰۲/۱۲۲۰۸۱)، ادغام به مسجد (۶/۱۰۶/۱۲۲۰۸۱)، الحاق و توسعه محوطه و ساختمان مسجد جامع (۷/۱۰۷/۱۲۲۰۸۱)، تعمیر و بازسازی بقاع و اماکن متبرکه (۲/۱۰۲/۱۲۳۰۸۱)، توسعه امامزاده (۷/۱۰۷/۱۲۳۰۸۱).

۳. تجهیزات مساجد: تأسیسات مساجد (۳/۱۰۳/۱۲۲۰۸۱)، مفروش نمودن مسجد (۹/۲۰۹/۱۲۲۰۸۱)، هزینه‌های نگهداری (۵/۱۰۵/۱۲۲۰۸۱)، احداث تأسیسات برای مسجد (۱۱/۱۰۱/۱۲۲۰۸۱)، روشنایی مسجد (۲/۲۰۲/۱۲۲۰۸۱)، هزینه لوازم

مسجد (۱۳۰۳/۲۰۰۳).

۴. امورات جاریه مساجد: اندود و مرمت پنجره و کاغذ شیشه مسجد (۱۳۰۹/۱۰۰۹)، هزینه‌های روزانه مسجد (۱۳۰۱/۲۰۰۱)، روشنایی مسجد (۱۳۰۲/۲۰۰۲)، هزینه آب و برق مسجد (۱۳۰۴/۲۰۰۴)، گلاب مسجد (۱۳۰۶/۲۰۰۶)، آب حوض خانه مسجد (۱۳۰۷/۲۰۰۷)، خرید روغن چراغ برای مسجد (۱۳۰۱/۲۰۱۱)، جهت نگهداری (۱۳۰۵/۱۰۰۵)، هزینه‌های جاری و مخارج بقاع و اماکن متبرکه (۱۳۰۱/۲۰۰۱) جهت تزیین بقعه (۱۳۰۳/۲۰۰۳)، (۱۳۰۴/۲۰۰۴).

۵. اماکن جانبی مساجد: جهت احداث مکان‌هایی مناسب برای تعلیم و تعلم قرآن و کتابخانه در امامزاده (۱۳۰۸/۱۰۰۸)، جهت اقامه نماز در مسجد (۱۳۰۱/۳۰۰۱) خانه برای ائمه جماعت و خدام (۱۳۰۶/۳۰۰۶)، جهت منضم نمودن به بقعه (۱۳۰۳/۱۰۰۳)، جهت حصاربند اطراف بقعه (۱۳۰۶/۱۰۰۶)، ۶- حقوق و دستمزدها: جهت حق

تبلیغ روحانی مسجد (۱۳۰۵/۳۰۰۵)، حقوق امام جماعت و پیش‌نماز مسجد (۱۳۰۳/۳۰۰۳)، حقوق خدام مسجد (۱۳۰۳/۳۰۰۳)، (۱۳۰۲/۳۰۰۲)، جهت جاروکش و خدمتکار امامزاده (۱۳۰۴/۳۰۰۴).

حسینیه‌ها و اماکن برپایی عزا برای ائمه‌هدی (علیهم السلام) خصوصاً سرور و سالار شهیدان نیز از دیگر اماکن مذهبی است که در کشور ایران توانسته همپای مساجد در تحولات اجتماعی و جذب جوانان برای امورات دینی و مذهبی و سوق آن‌ها به سوی معنویت، نقش آفرینی اساسی نماید.

این اماکن از آنجایی که محدودیت‌های مساجد در بسیاری از امورات شرعیه را ندارد توانسته (علاوه بر برپایی مجالس عزاداری سالانه، هفته‌گی و روزانه، محلی برای برگزاری مجالس و کلاس‌های دینی و اجتماعی و علمی و محلی برای تدریس فنون و علوم مختلف برای مردم و خصوصاً بانوان گردد؛ لذا برخی از واقفان علاوه بر ساخت چنین اماکنی (۱۳۰۷/۲۰۰۷)،

اموالی را برای تزیین (۸۱۱۸۰۲۰۱۷)،
تعمیر (۸۱۱۸۰۲۰۲۵) و ادامه مسیر
معنوی آن اختصاص داده‌اند.

در برخی از شهرها علاوه بر
حسینیه‌ها اماکن دیگری با عشق مردم
به رشادت‌های یاران امام حسین (علیه
السلام) ساخته می‌شد که آن اماکن نیز
در استحکام اعتقادات مردم نقش آفرین
بوده است که جای دارد دو نمونه که
در اسناد وقفی به آن اشاره‌های فراوانی
شده است، ذکر گردد.

۱. اماکن تعزیه خوانی (تکیه‌ها):

این مکان‌ها که معمولاً امروزه در
برخی از شهرها تبدیل به حسینیه
گردیده در روزگاران گذشته محلی
برای برپایی چنین مراسم‌هایی بوده
که دارای موقوفات فراوانی نیز
برای حفظ و نگاه‌داری و برپایی
مراسم تعزیه‌خوانی بوده است^{۲۴}
که مردم با اعتقادی راسخ موقوفاتی
را برای احداث (۸۱۱۸۰۲۰۱۲) و
تعمیر (۸۱۱۸۰۲۰۱۳) و تزیین آن
(۸۱۱۸۰۲۰۱۷) اختصاص می‌دادند.

۲. سقاخانه‌ها:

سقاخانه‌ها، از دیدگاه‌های مختلف،
همانند مساجد مکان‌هایی کاملاً مذهبی
هستند، با این تفاوت که مورد استفاده
عموم بوده و با مقیاس بسیار کوچک‌تر
بنا می‌شوند، و جایی برای نشستن و
عبادت کردن ندارند.

از جهتی دیگر، سقاخانه‌ها سمبلی از
آب فرات هستند که هر رهگذر شیعه
مذهب، با دیدن آن، یاد عاشورا را در
ذهن زنده کرده و با سلام فرستادن به
امام حسین (علیه السلام) و یارانش، و
لعن کردن کشتندگان آن‌ها و کسانی
که آب به روی آنان بستند، سهمی از
رسالت مذهبی خویش را ادا می‌کنند. بر
این اساس یکی از فلسفه‌های وجودی
سقاخانه، یادآوری واقعه عاشورا به
مردمان و رهگذران کوچه و بازار
است. یادآوری اولیا و اشقیاء، و یادآوری
ظالم و مظلوم در میان همه مشغله‌ها
و گرفتاری‌های روزمره زندگی؛ و
بی‌تردید به خاطر همین تذکار و
یادآوری است که بیشتر سقاخانه‌ها
در محل‌های قدیمی، شلوغ و پر

رفت و آمد شهرها ساخته شده‌اند^{۲۵} و واقفان اموالی را برای تعمیرات و لوازم سقاخانه (۸۱۱۸۰۱۰۳۹) و مصارف سقاخانه (۸۱۱۸۰۱۰۰۳) و حتی اجرت آب آوری و سفیدگری جام سقاخانه (۸۱۱۸۰۵۰۰۷) اختصاص داده‌اند.

۱۰. اهتمام به کتابخانه‌ها

بعد دهم اجتماعی وقف، ایجاد و اداره کتابخانه‌ها است.^{۲۶} در تاریخ اسلام ظاهراً نخستین کتاب‌های وقفی را در کتابخانه عبدالحکم جمحی در سده اول هجری قمری در مکه مکرمه گزارش کرده‌اند.^{۲۷} البته در این گزارش؛ صراحتاً به وقف اشاره نشده ولی اقدامات عبدالحکم نشان می‌دهد که به نوعی «وقف» پایبند بوده. هرچند آن را با روش معمول در سده چهارم هجری قمری عملی نکرده است.

بنابراین می‌توان گفت با توجه به گزارش‌های تاریخی نخستین کتابخانه وقفی در اسلام که به وجود وقفیت آن

یقین داریم متعلق به دارالعلم موصل بوده و حتی برخی از محققان به استناد مدارک تاریخی آن را نخستین دارالعلم در اسلام شمرده‌اند.^{۲۸} حق تقدم در تأسیس این کتابخانه با ابوالقاسم جعفر بن محمد بن حمدان موصلی است. ابن حمدان در موصل از مقام و منزلتی قابل توجه برخوردار و در علوم مانند فقه، نحو، کلام و حدیث پیش‌تاز بود، او روابط خوبی با رجال عصر خود از قبیل وزرا و ادبا و شعرا مانند «بحتری» و «مبرد» و «ثعلب» داشت.^{۲۹} به نظر می‌رسد که تنوع فعالیت‌های علمی و دانش دوستی وی، او را به فکر ایجاد کتابخانه در شهر موصل انداخت تا با استفاده از ثروت و نفوذ خود امکاناتی برای کمک به مطالعه و تحقیق و پژوهش طالبان علوم و محققان در آن فراهم آورد.

یاقوت حموی به نقل از ابوعلی ابن ابوالزمام به این مطلب اشاره کرده می‌گوید: «ابن حمدان در میان صاحب منصبان موصل از موقعیت بسیار خوبی برخوردار بود. او با همه

وزرای زمان خود دوست و ستایشگر آنان بود و نزد آنان احترام داشت. ابن حمدان در شهر خویش کتابخانه‌ای داشت که گنجینه‌هایی از کتاب‌ها را از همه علوم در آن قرار داده و بر طالبان علم وقف کرده بود. از ورود کسی به آنجا جلوگیری نمی‌شد، هرگاه شخص غریبی برای کسب دانش به آنجا می‌آمد، اگر تنگدست بود، یک ورق کاغذ و یک سکه به او می‌داد. این کتابخانه همه روزها باز بود و خود ابن حمدان پس از بازگشت از شترسواری در آن می‌نشست و مردم گردش جمع می‌شدند و او از اشعار و تألیفات خویش و دیگران برای آنان املا می‌کرد...»^{۳۰}

تاریخ تأسیس این کتابخانه در منابع موجود ذکر نشده ولی احتمال می‌رود بین اواخر سده سوم و اوایل سده چهارم از سال ۲۴۰ تا ۳۲۳ ه. ق در دوران زندگی ابن حمدان ساخته شده باشد. اما کتاب‌های موجود در آن با توجه به تنوع فعالیت‌های خود او که طبق نقل منابع، به فقه و شعر و ادبیات

و تاریخ و نجوم اهمیت می‌داد، شامل علوم مختلف بوده است.^{۳۱} از سرنوشت این کتابخانه وقفی اطلاعی در دست نیست، زیرا جمعی از مردم موصل به خاطر حسدورزی نسبت به دانش و مقام و موقعیت وی نزد خلفا و وزرا و علما او را متهم به سخن‌چینی کردند. آنان بر ضد او اعلامیه نوشته و شهادت دادند که وی مرتکب اعمالی بسیار زشت شده است؛ لذا او را از موصل تبعید کردند. او به بغداد گریخت و پس از این رویداد خبری از این کتابخانه که منشأ خدمات فراوان به مردم موصل بود و راه کسب و دانش و ادب را برای آنان هموار ساخت، به دست ما نرسید.^{۳۲}

در متون تاریخی از کتابخانه‌های وقفی در ایران نیز سخن به میان آمده که نشان می‌دهد وقف کتاب و کتابخانه از سابقه دیرینی برخوردار بوده است و پشتوانه انقلاب فرهنگی و فکری در ایران و جهان اسلام بوده که نقش اساسی در تحولات فکری و اعتقادی مردم ایفاء نموده است و توانسته آثار

اجتماعی فراوانی از خود به جای گذارد، که در اینجا به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم.

از کتابخانه‌های وقفی ایران در گذشته کتابخانه ری بوده است. یاقوت حموی می‌نویسد: «ملک نوح بن منصور سامانی والی خراسان مخفیانه به صاحب بن عباد نامه نوشت و او را به همکاری با خود فراخواند و قول داد او را از حقوق و مزایای سالانه برخوردار سازد ولی وی دعوت او را نپذیرفت و بهانه‌هایی آورد یک بهانه‌اش این بود که به اندازه چهارصد بار شتر یا بیشتر از کتاب‌های علمی نزد اوست که اکثر آن وقف شهر ری است».^{۳۳}

سپس حاشیه‌ای را از ابوالحسن بیهقی نقل می‌کند که عین عبارت آن چنین است: «به اعتقاد من، دلیل بر وجود این کتابخانه در ری این است که من در آنجا به مطالعه می‌پرداختم و ده جلد از فهرست کتاب‌های آن را که سلطان محمود قبلاً آن‌ها را سوزانده بود، مشاهده کردم. او چون وارد ری شد، به او گفتند: این‌ها کتاب‌های

رافضی‌ها و بدعت‌گذاران است، دستور داد همه کتاب‌های کلامی را از میان آن‌ها جدا کرده کتابخانه را بسوزانند.»^{۳۴}

تصریح به بیت‌الکتب ری اشاره به این است که آنجا یک کتابخانه وقفی عمومی بوده است، چنان‌که ارتباط دادن میان این کتابخانه و کتاب‌های صاحب بن عباد توسط بیهقی بر وقفی بودن آن دلالت می‌کند، زیرا محمد ماهر حماده اشاره کرده که صاحب بن عباد کتابخانه‌اش را وقف کرد و بعدها کتابخانه‌ای عمومی شد.^{۳۵} البته او اشاره نکرده به این که این اطلاعات را از چه منبعی کسب کرده و شاید از متن معجم‌الادباء یاقوت حموی که بدان اشارت شد استفاده کرده است. چنانچه بیت‌الکتب ری را کتابخانه‌ای وقفی و مؤسس آن را صاحب بن عباد بدانیم، تاریخ وقف آن سال ۳۸۵ ه. ق - سالی که او وفات یافت - خواهد بود.^{۳۶}

از دیگر کتابخانه‌های وقفی ایران، می‌توان از کتابخانه فیروزآباد یاد کرد. این کتابخانه را وزیر قوام‌الدوله عمادالدین ابومنصور عادل فرزند

«مافنه» (م ۴۳۳ ه. ق) تأسیس کرد. او وزیر دربار و ملک بویه و مردی عفیف، فاضل، خوش آوازه و نیک سیرت بود.^{۳۷}

ابن جوزی درباره این کتابخانه می‌گوید: «کتابخانه‌ای بود که نوزده هزار جلد کتاب داشت و او آن را بر طالبان علم وقف کرده بود و در میان کتاب‌های موجود در آن کتاب ناشناخته‌ای وجود نداشت، در این کتابخانه چهار هزار برگه دست‌نوشته به خط بنی‌مقله موجود بود.»^{۳۸} این اثر در این باره می‌نویسد: «او کتابخانه را در فیروزآباد بنا کرد و هفت هزار جلد کتاب در اختیار آن نهاد.»^{۳۹} ابن‌اثیر درباره عظمت این کتابخانه می‌نویسد: «گنجینه کتابی که او در شهر فیروزآباد وقف کرده بود، هفت هزار جلد کتاب و چهار هزار برگه دست‌نوشته به خط ابوعلی و ابو عبدالله فرزند مقله داشت.»^{۴۰}

شهر فیروزآباد که این کتابخانه را فرزند «مافنه» در آنجا وقف کرد، یکی از شهرهای کوچک استان فارس در

نزدیکی شیراز است و این امر تصویری از انتشار کتابخانه‌ها در شهرهای کوچک و بزرگ جهان اسلام در آن زمان، به ما ارایه می‌دهد. بدون تردید این کتابخانه به سبب در اختیار داشتن کتاب‌های نفیس و با ارزش نظر علما را در نقاط بسیاری به خود جلب کرده بود.^{۴۱}

کتابخانه نظامیه بغداد با توجه به شهرت و حرمتی که از آغاز تأسیس کسب نموده بود بسیاری از دانشمندان و بزرگان را بر آن می‌داشت که کتاب‌های ارزنده خود را به صورت وقف در اختیار این نهاد علمی آموزشی قرار دهند. این کتاب‌ها مرتب‌محل مراجعه استادان و دانشجویانی بود که در حجره‌های مسکونی نظامیه زندگی شبانه روزی داشتند و از خوراک و مدد معاش نظامیه استفاده می‌کردند.

دانشمندان و فرمانروایان متعددی برای رونق این کتابخانه، کتاب‌های شخصی خود را به آن اهدا می‌نمودند که از معروف‌ترین اهدا کنندگان کتاب به کتابخانه نظامیه می‌توان به افراد زیر

اشاره کرد:

ابوجعفر لازری طبری فقیه شافعی (م ۵۹۸ ه.ق) دانشش آموخته نظامیه که کتاب‌های بسیار به خط خود نوشت و همه را بر کتابخانه نظامیه وقف کرد. ناصر خلیفه عباسی (۵۷۵ - ۶۲۲ ه.ق) که کتابخانه بزرگی در کنار کتابخانه قدیم نظامیه ساخت و بالغ بر ده هزار کتاب نفیس درالخلافه را که ماندش در جایی یافت نمی‌شد، وقف بر این کتابخانه کرد.

ابن النجار محب الدین بغدادی (م ۶۴۳ ه.ق) نویسنده ذیل تاریخ بغداد بر تاریخ خطیب بغدادی، کلیه کتاب‌ها، از مصنفات خود را که بالغ بر بیست و دو عنوان کتاب بود، وقف بر کتابخانه نظامیه کرد.

ابن ساعی بغدادی (م ۶۷۴ ه.ق) از فقیهان و مورخان و شاعران معروف که در قرائت‌های هفت‌گانه نیز استاد بود، همه آثار علمی خود و مصنفات دیگران را که بیش از شصت مجلد بود، به صورت موقوفه به این کتابخانه اهدا کرد.^{۴۲}

کتابخانه قطب‌الدین همدانی نیز در ردیف کتابخانه‌های وقفی بوده که آن را قطب‌الدین ابوالعلا حسن بن احمد بن حسن همدانی عطاره (م ۵۶۹ ه.ق) که حافظ قرآن و محدث و یکی از علما و زهاد برجسته زمان خویش بود، در شهر همدان تأسیس کرده است. او همه کتاب‌هایی را که برای خود فراهم آورده بود، بر آن وقف کرد.^{۴۳} البته هنوز گزارشی به دست نیامده تا معلوم سازد که آیا این کتابخانه ساختمانی مستقل داشته و یا جزیی از منزل وی بوده است. آنچه ترجیح دارد این است که کتابخانه بخشی از منزل او را اشغال کرده بود پس از آن که آن را وقف کرد، امکان ورود طلاب علم و مطالعه کنندگان به آنجا و استفاده از آن برایشان فراهم شد.^{۴۴}

از دیگر کتابخانه‌های وقفی در ایران کتابخانه مبارک‌شاه در مرورود است و گویند که فخرالدین ابوسعید مبارک‌شاه فرزند حسین مروزی (م ۶۰۲ ه.ق)، خانه خوبی در باغی زیبا داشت و در آن گنجینه‌ای از کتاب‌های مربوط به علوم

وقف

میراث

جویدان

شماره

۱۶

تابستان

۱۳۹۳

۷۹

مختلف را قرار داده بود. او در خانه‌اش همه وسایل مورد نیاز هم‌نشین خود را از قبیل نرد، شطرنج و انواع خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها قرار داده بود.^{۴۵}

در اهمیت و نقش گسترده وقف کتاب و کتابخانه سعید دیوه‌جی می‌گوید: «از سده چهارم هجری قمری به بعد کتابخانه‌های وقفی در سراسر جهان اسلام رواج یافت به درجه‌ای که کمتر شهری یافت می‌شد که خالی از «کتابخانه وقفی» باشد.»^{۴۶} این کتابخانه‌ها به دلیل کتاب‌های وقفی موجود در آن‌ها بسیار مورد توجه طلاب واقع شد و کتابخانه‌ها نیز در دستیابی به کتاب‌های جدید به آن‌ها کمک می‌کردند و فرصت‌هایی را برای آشنایی طالبان علم با افکار و اندیشه‌های مؤلفان سراسر جهان اسلام در اختیارشان قرار می‌دادند. تعداد این کتابخانه‌ها در اندلس به حدی رسیده بود که ابوحنیفان نحوی بر خریدار کتاب عیب می‌گرفت و می‌گفت: «خدا به تو عقل معاش دهد [چرا کتاب می‌خری؟!]. من هر کتابی را بخواهم از

کتابخانه‌های وقفی به امانت می‌گیرم»^{۴۷} برای مشخص ساختن افزایش تعداد کتابخانه‌های وقفی و گسترش آن‌ها، فقط یک نکته ذکر می‌کنیم که در سده هفتم هجری قمری تنها در شهر مرو شاه‌جان، ده گنجینه کتاب وقفی وجود داشته است.^{۴۸}

خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲ ه.ق) که مسئولیت و نظارت بر کل موقوفات قلمرو وسیع هولاکو را بر عهده داشت کتاب‌هایی که در اثر جنگ‌های آن دوره پراکنده شده بود را از سرزمین‌های مختلف در مراغه گرد آورد و کتابخانه موقوفه چهارصد هزار جلدی برای دانشمندان تدارک دید^{۴۹} از دیگر کتابخانه‌های وقفی می‌توان به کتابخانه شصت هزار جلدی مجتمع ربع رشیدی^{۵۰} در اواخر سده هفتم اشاره کرده که در بُعد دوازدهم (توسعه پایدار) بدان خواهیم پرداخت.

علاوه بر وقف کتابخانه که گزارشات متعددی درباره آن در تاریخ ایران وارد شده است، برخی از خیراندیشان به وقف کتاب پرداخته‌اند و کتاب‌های

خود را وقف عام برای استفاده عموم نموده‌اند. البته در این که کتاب را می‌توان وقف کرد یا نه نظرات متعددی مطرح بوده است.

عبدالله جبوری در مقاله‌ای در خصوص «وقف کتاب» می‌نویسد: «علاقه مسلمانان به دانش و دانشمندان و تشویق اسلام به فراگیری علم موجب شده تا فقها وقف اشیای منقول مانند کتاب را جایز دانسته آن را از اصل کلی در وقف استثنا کنند چرا که اصل در وقف همیشگی بودن آن است و جز در اموال غیر منقول صحیح نیست ولی فقها وقف منقول را از باب استحسان که از ادله فقهی معروف آنان است جایز دانسته‌اند. از این رو وقف کتاب پدید آمد و مسلمانان و افراد خیر و نیکوکار به انگیزه خیرخواهی و سود رسانی به مردم اقدام به وقف کتاب کردند.^{۵۱}

فعال شدن نهضت علمی در جهان اسلام، و افزایش تعداد محققان و دانش‌پژوهان دینی، باعث گشت حاکمان و وزرا و ثروتمندان به اهمیت فراهم آوردن کتاب برای آرایه بیشتر

به تعداد متقاضیان پی ببرند و کتاب را یکی از وسایل انجام کار نیک بدانند. این انگیزه و علاقه‌مندی آنان به اشاعه علم و غلبه بر مشکل دستیابی طلاب شهرها و مناطق مختلف به کتاب‌های موجود در سراسر جهان اسلام به پیدایش وقف در خصوص کتاب و کتابخانه‌ها منجر شد.

برخی از مردم کتاب‌هایشان را بر عموم مسلمانان وقف می‌کردند و کتاب‌های آنان [برای استفاده همگان] در گنجینه کتاب‌های مساجد قرار داده می‌شد. برخی وقف آن‌ها را به مکان یا شهر معین اختصاص می‌داند و می‌گفتند: این کتاب را بر فلان جا یا فلان شهر... وقف می‌کنیم و برخی دیگر استفاده از آن‌ها را آزاد می‌گذاشتند. گاهی واقف شرایطی را برای استفاده یا به امانت سپردن کتاب‌های وقفی وضع می‌کرد، چنان که قاضی ابن حیان خارج کردن کتاب‌ها را از کتابخانه ممنوع ساخت و برخی از واقفان کتاب همانند ابن خشاب کتاب‌هایشان را بر اهل علم وقف کردند.^{۵۲}

باید توجه داشت، اولین کتاب‌های وقفی در اسلام متون کامل قرآن کریم و یا سوره‌هایی از آن بوده که خیرین استنساخ و یا افرادی را برای کتابت اجیر می‌کردند و حاصل کار را وقف مساجد می‌نمودند تا همگان از آن استفاده کنند و به این ترتیب، رسم رایج وقف قرآن به وقف کتاب نیز کشیده شد؛^{۵۳} و لذا جای شگفتی نیست که در کنار دارالعلم و مدارس، کتابخانه‌های عمومی برای وقف کتاب وجود داشتند و تمام کسانی که می‌خواستند کتاب‌های خود را هبه کنند و امکانی برای ایجاد ساختمان‌های خصوصی برای این کار نداشتند، به طور طبیعی به فکر افتادند، کتاب‌های خود را وقف این کتابخانه‌ها و یا مساجد کنند؛ البته کمی بعد از پیدایش دارالعلم است که ما کتاب‌های وقفی را در مساجد بزرگ می‌بینیم.^{۵۴}

در دوران مختلف که در کشورمان به تأسیس مدارس علمیه اهتمام می‌نمودند، بنا بر شواهد فراوان برای آن کتابخانه‌هایی فراهم می‌آوردند،

کمپفر به هنگام توضیح در باب ساختمان مدارس در این باره می‌گوید: چه بسا که در این بنا یک کتابخانه عمومی یا مجموعه‌ای از ابزار نجومی تعبیه کرده‌اند.^{۵۵}

همچنین بسیاری از افراد که خود قادر به ساخت مدرسه نبودند کتاب‌هایی را بر مدارس موجود وقف می‌کردند. منابع تاریخی نیز خبر می‌دهند که گاه عالمان و پادشاهان کتاب‌هایی را به کتابخانه مدرسه اختصاص می‌دادند.

در برخی از وقفنامه‌های مدارس فهرستی از کتاب‌های وقف شده وجود دارد که بیشتر در پشت وقفنامه یا در حاشیه آن نوشته شده است. برای نمونه در شهر اصفهان پشت وقفنامه مدرسه جده کوچک اسامی هفتاد و شش کتاب وقفی در چهار دسته ذکر شده است و ثواب هر دسته به روح یک نفر تقدیم شده است، که این افراد عبارتند از: شاه عباس اول، دل‌آرام خانم واقف مدرسه، شاهزاده مرحوم صفی میرزا و شاه صفی. برخی از این کتاب‌ها عبارتند از: صحیفه کامله،

تفسیر کشاف، مختلف الشیعه، مطول، جداول مدارک، شرح منهاج الاصول، شرح مطالع، حاشیه امری و حاشیه قدیم شرح الفیه ابن جمهور، شرح شمسیه، رساله کلامیه، صرف میر سید شریف، شرح نفیسی، طلب الملوک.^{۵۶} علاوه بر آن مدرسه سلطانیه چهارباغ (مدرسه امام صادق) دارای کتابخانه‌ای عظیم بوده و کتاب‌های خطی فراوانی داشته است.

تعدادی وقفنامه خاص کتاب نیز در دست است که جدای از وقفنامه‌های مدارس می‌باشند و بیشتر شامل متنی است که بر وقفیت کتاب دلالت دارد و یا در اول و آخر کتاب‌های وقفی نوشته شده است. مواردی نیز از وقف بر استنساخ کتاب وجود دارد که گاه شرایط استفاده از این کتاب‌ها را نیز به تفصیل بیان کرده‌اند. دو نمونه جالب از این اسناد به کوشش آقای رضا مختاری در مجله میراث جاویدان به چاپ رسیده است. یکی مربوط به وقفنامه کتاب‌های مدرسه چهارباغ اصفهان است و دیگری مربوط به کتاب‌هایی

است که از محل درآمد حمام نقش جهان اصفهان استنساخ شده‌اند.^{۵۷} همچنین برخی از واقفین مقداری از درآمد حاصل از موقوفات خود را به این مهم اختصاص داده‌اند. حاج محمد ابراهیم یوزباشی در وقفنامه خود ذکر کرده که آن چه از مصارف موقوفه باقی بماند، «کتاب‌های احادیث و تفاسیر و علوم دینی و قرآن مجید و صحیفه کامله تهیه و استنساخ نمایند». سپس برای نوع استفاده از این کتاب‌ها نیز مقرراتی را وضع کرده است. به این ترتیب که کتاب‌های قرآن و صحیفه را به هرکس که صلاحیت دارد هدیه دهند و از او التماس کنند که برای واقف طلب آمرزش و دعای خیر کند. نکته قابل توجه در این گونه وقفنامه‌ها آن است که تمامی اسناد موجود حاکی از وقف بر کتاب‌های علوم دینی و مذهبی هستند. چرا که از این راه واقف می‌تواند امیدی به کسب ثواب اخروی داشته باشد. با این وجود استفاده از این کتاب‌ها شرایط و ضوابط خاصی داشتند که بعضاً در وقفنامه‌های

مربوطه آورده شده است.

(۸۱۲۳۰۱۰۰۸) وقف شده و واقفان اموالی را برای خرید کتاب برای اماکنی خاص همچون کتابخانه عتبات (۸۱۱۹۰۱۰۰۲)، یا افرادی معین چون دانش آموزان بی بضاعت (۸۱۱۷۰۳۰۰۳) و طلاب فقیر (۸۱۲۱۰۱۰۴۰) و یا کتاب‌هایی خاص مانند کتاب‌های علوم قرآنی (۸۱۱۶۰۱۰۰۲) و کتاب‌های دینی و مذهبی (از ۸۱۱۶۰۲۰۰۱ تا ۹۱۱۶۰۲۰۱۸)، اختصاص داده شده است.

در فضای امروزی نیز بسیاری از کتابخانه‌ها را سراغ داریم که هرچند نام وقف بر آن ننهادند ولی توسط افراد خیراندیش برای ایجاد فضای علمی در جامعه ایجاد و اداره می‌شود. برای نمونه در شهر اصفهان به کتابخانه عظیم امیرالمؤمنین و کتابخانه الزهراء می‌توان اشاره کرد که موسسان آن دو عالم جلیل‌القدر در این شهر می‌باشند. همچنین کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی در قم و کتابخانه ملک در شهر یزد و ... از موارد قابل اشاره در این باب است. همچنین در نیت‌های واقفان به مواردی برمی‌خوریم که برای احداث کتابخانه‌های تخصصی (۸۱۱۷۰۹۰۱۳) و عمومی (۸۱۱۷۰۹۰۱۶) وقف شده همچنین اموالی جهت تجهیز کتابخانه (۸۱۱۸۰۱۰۱۴)، صحافی کتاب (۸۱۱۸۰۴۰۱۰)، خرید کتاب و سایر احتیاجات کتابخانه (۱۱۷۰۱۰۰۳)، جهت کتابدار (۸۱۱۷۰۱۰۰۷)، و یا ساخت کتابخانه در اماکنی همچون بقعه امامزاده‌ها

پی‌نوشت‌ها:

۱. ر.ک نقش وقف در آبادی شهرها.
۲. مدینه اسلامی ص ۸۲ و ۶۳.
۳. غازان خان از فرماندهان مغول در سال ۶۹۴ در محضر شیخ صدرالدین ابراهیم حموی به اسلام روی آورد و پس از آن توانست موقوفات فراوانی از جمله شنب‌غازان که یک شهر موقوفه‌ای است از خود به جای گذارد که از اماکن مشابه ربع رشیدی و هم‌زمان با آن احداث شده و بناهای خیری بود که به نام شنب(مساوی گنبد) غازان در سه فرسنگی جنوب غربی تبریز آن زمان بود. متأسفانه این اثر گران قدر در زمان شاه عباس به سال ۱۰۱۹ برای جلوگیری از حمله عثمانیان تخریب گردید و با مصالح آن قلعه‌ای برای حاکم تبریز ساخته شد.». (ص ۴۶ و ۱۰۰ بررسی روش اداری و آموزشی ربع رشیدی / مهدی بروشکی).
۴. جامع الخیرات، یا وقفنامه سید رکن‌الدین یزدی، ص ۴۱.
۵. بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، ص ۸۴.
۶. نشریه پیام، ارگان یونسکو، آبان و آذر ۱۳۶۰.
۷. علم و تمدن در اسلام، ص ۷۰.
۸. البدایة والنهایة، ج ۱۳، ص ۲۴۹.
۹. یادنامه خواجه نصیر طوسی، ص ۹۰.
۱۰. تاریخ علم کمبریج، ص ۳۱۶.
۱۱. فوات الوفيات، ج ۳، ص ۲۴۵.
۱۲. روزنامه اطلاعات، خرداد ۱۳۵۲، شماره ۱۴۱۲۴.
۱۳. مقدمه مختصر الدول.
۱۴. ر.ک: تلخیص مجمع الآداب، (همه مجلدات).
۱۵. مدینه اسلامی، ص ۲۳۷.
۱۶. تحلیلی فضایی - کالبدی بازار اصفهان.
۱۷. ر.ک بهره‌وری موقوفات موانع و راهکارها.
۱۸. مختصر النافع.
۱۹. «احمد بن ابراهیم حیدری» در کتاب «مجلات الوقف و مصارفه فی القديم والحديث» در ابعاد وقف قدیم و جدید در ضمن بحث پیرامون فقراء و مساکین می‌گوید: «و هذا من أشهر مصارف الوقف فلا يحتاج إلى كثرة أمثلة».
۲۰. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۲۴۴.
۲۱. ر.ک تعزیه، هنر وقفی ایران و میراث جاویدانی از قلمرو آیین و ایمان.
۲۲. منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس.
۲۳. مسجد گوهرشاد مشهد و موقوفات آن.
۲۴. تعزیه، هنر وقفی ایران و میراث جاویدانی از قلمرو آیین و ایمان.
۲۵. سقاخانه‌های قدیمی تهران.

۲۶. نقش وقف کتاب در تمدن اسلامی. ۲۷. الآغانی، ص ۵۱.
۲۸. تاریخ الموصل، ج ۱، ص ۱۹۲.
۲۹. معجم الادباء، ج ۷، صص ۱۹۱ - ۱۹۲.
۳۰. معجم الادباء، ج ۷، ص ۱۹۲.
۳۱. همان.
۳۲. همان.
۳۳. معجم الادباء، ج ۱۶، ص ۲۵۹.
۳۴. همان.
۳۵. المكتبات فی الاسلام: نشأتها و تطورها و مصائرها، ص ۱۲۸.
۳۶. وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ص ۴۳.
۳۷. المنتظم، ج ۸، ص ۶۴.
۳۸. همان.
۳۹. الكامل فی التاريخ، ج ۹، ص ۵۰۲.
۴۰. البداية و النهاية، ج ۱۲، ص ۵۰.
۴۱. وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ص ۴۸.
۴۲. وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، صص ۱۷۷ - ۱۷۸.
۴۳. تلخیص مجمع الآداب فی معجم الالقباب، بخش چهارم، صص ۶۲۶ - ۶۲۷.
۴۴. وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ص ۵۳.
۴۵. تلخیص مجمع الاداب فی معجم الالقباب، بخش سوم، صص ۲۹۰ - ۲۹۱.
۴۶. التربية و التعليم فی الاسلام، ص ۷۳.
۴۷. نفع الطیب، ج ۲، ص ۵۴۳.
۴۸. وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، صص ۳۳ - ۳۶.
۴۹. مقاله «سرگذشت دانش و دانشمندان در حمله مغول»، ص ۳۱۵.
۵۰. بررسی روش اداری و آموزشی ربع رشیدی، صص ۱۳۹ - ۱۴۲.
۵۱. مکتبة الاوقاف العامة، تاریخها و نوادر مخطوطاتها، ص ۸.
۵۲. المكتبات فی الاسلام، ص ۱۷۲.
۵۳. کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی عربی، صص ۳۱۰ - ۳۲۱.
۵۴. کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی عربی، ص ۱۵۳.
۵۵. سفرنامه کمپفر، ص ۱۴۴.
۵۶. چهار وقفنامه از چهار مدرسه دوره صفوی، ص ۱۰۷ و ۱۰۸.
۵۷. ر. ک. دو وقفنامه کتاب از عهد صفوی.
- نکته: فهرست منابع در پایان قسمت چهارم مقاله می‌آید.